

نقش وقف در پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیدگی

تاریخ دریافت: ۸۷/۷/۱۵

تاریخ تأیید: ۸۷/۸/۲۲

محمدعلی حاجی‌ده‌آبادی*

۳۷

حقوق اسلامی / سال ششم / شماره ۲۲ / پاییز ۱۳۸۸

چکیده

از جمله آموزه‌های سیاست جنایی اسلام که نقش و جایگاه بسیار مهمی در پیشگیری از جرم دارد، نهاد وقف و ترویج فرهنگ وقف است. بررسی ابعاد وقف، به‌ویژه با نظر به وقفنامه‌هایی که تاکنون کشف شده است و گزارش‌هایی که از وضعیت جوامع اسلامی موجود است، اثبات‌کننده این مدعا است که از جمله کارکردهای وقف، پیشگیری از بزهکاری و نیز بزه‌دیدگی است. کارکرد نهاد وقف فقط به پیش از وقوع جرم محدود نمی‌شود، بلکه پس از وقوع جرم نیز نقش آفرینی مؤثری در کاهش جمعیت کیفری، سازش دادن بزهکار و بزه‌دیده و ایفای نقش ترمیمی یا حتی اصلاح و درمان مجرمان دارد. در این مقاله ابعادی از این کارکردها بررسی می‌شود.

واژگان کلیدی: وقف، پیشگیری از جرم، اصلاح مجرمان، بازدارندگی از جرم، تکرار جرم.

* استادیار دانشگاه قم (dr_hajidehabadi@yahoo.com).

مقدمه

افزایش نرخ جرایم و مشکلات و آسیب‌هایی که در شیوه‌های مبتنی بر سیاست‌های واکنشی به جرم وجود دارد، مسئله‌ای است که کم‌وبیش اکثر کشورهای جهان با آن دست به گریبان‌اند؛ این مسئله افزون بر آنکه بخش قابل توجهی از فرصت‌ها، امکانات و سرمایه‌های هر کشور را به خود اختصاص می‌دهد - امکاناتی که می‌تواند در برنامه‌های بنیادینی که علاوه بر سودآوری برای حکومت‌ها، رفاه مادی و معنوی انسان را فراهم کند - به‌نوعی فرهنگ و سلامت جوامع کنونی را دستخوش تحول می‌سازد که اضطراب و ناامنی و غلبه فضای بی‌اعتمادی شهروندان با یکدیگر، از جمله شاخصه‌های آن است. اقبالی که هم‌اکنون در بیشتر کشورها به «پیشگیری از جرم» و سیاست‌ها و تدابیر کنشی، فعال، انسان‌مدارانه و اخلاق‌گرایانه در مواجهه با جرم و مجرمان وجود دارد، تا حد زیادی معلول شکست تدابیر کیفری و هزینه بالای آن و به تبع فزونی نرخ جرم و تغییر در شیوه‌های آن است که بشر کنونی را به عجز درآورده است. این امر معلول اموری از جمله فرهنگ مادی‌گرایانه حاکم بر بیشتر کشورهاست. فرهنگی که با ساختار فطری و غایاتی که از خلقت بشر مدنظر است، سازگاری ندارد. از این رو، حتی رویکردهای پیشگیرانه را نیز با موفقیت چندانی قرین نمی‌سازد. ارائه هر نوع برنامه و مدل پیشگیری از جرم و در سطح کلان، به‌کارگیری رویکرد پیشگیرانه در سیاست جنایی، قبل از هر چیز باید مبتنی بر زیرساخت‌های فرهنگی و ارزشی متقنی باشد که از سویی با ساختار شخصیت انسان و از سوی دیگر با اهداف آفرینش انسان و در مقیاسی وسیع‌تر با اهداف خلقت همخوانی کامل داشته باشد. در تعالیم اسلامی، بازخوانی تدابیر پیشگیرانه از جرم نیز جز از این راه، نه ثمربخش است و نه درست و منطقی. به بیان دیگر، تفسیر و تحلیل منطقی و دقیق هر نوع اقدام پیشگیرانه از جرم که در متون اسلامی اعم از قرآن و روایات دیده می‌شود، فقط براساس جهان‌بینی و فرهنگ اسلامی امکان‌پذیر است و پذیرش هر نوع پیشگیری نیز باید بر همین اساس باشد. روشن است با پذیرش این معیار، شیوه استنباطی خاصی در کشف سیاست جنایی اسلام و احکام آن رقم می‌خورد که با شیوه‌های استنباطی رایج تفاوت‌های چشمگیری

دارد که در جای دیگر باید بررسی شود.

آنچه در این مقاله به اختصار و تا حدی از منظر رویکرد یادشده بررسی می‌شود، تبیین ابعاد پیشگیرانه «وقف»، به‌عنوان یک تأسیس اسلامی در پیشگیری از جرم است. پس از واژه‌شناسی و تبیین ویژگی‌های وقف به‌عنوان یک اقدام پیشگیرانه، کارکردهای پیشگیرانه وقف، براساس مدل پیشگیری پزشکی بررسی می‌شود. ضرورت طرح این موضوع، از سویی به‌دلیل فقر ادبیات پیشگیری از جرم، به‌ویژه از منظر آموزه‌های اسلامی است و از سوی دیگر، براساس پذیرش این فرض که میان نظام‌ها و آموزه‌های اسلامی نوعی ارتباط مقابل و سازگاری برقرار است و آموزه‌های اسلامی برای دستیابی به اهدافی که شریعت اسلام ترسیم کرده است، مؤید و مکمل یکدیگرند.

۱. واژه‌شناسی

همان‌طور که از عنوان مقاله برمی‌آید، دو عنوان «وقف» و «پیشگیری از جرم»، دو واژه مهم کلیدی در این بحث به‌حساب می‌آید.

۱. وقف: وقف در لغت معانی گوناگونی دارد؛ از جمله: آرام‌گرفتن، جلوگیری کردن، سر پا نگه‌داشتن، آگاه‌ساختن و... (دهخدا: ماده وقف و ابن‌منظور، ۱۴۰۸، ص ۳۵۹). در معنای اصطلاحی فقهی، عقدی است که باعث تحبیس اصل مال و تسبیل منافع آن شود: «تحبیس‌الاصل و تسبیل‌المنفعة» (نجفی، ۱۴۱۳، ج ۲۸، ص ۳). در معنای حقوقی نیز همین مفاد لحاظ شده است (ماده ۵۵ قانون مدنی) و به‌نظر می‌رسد که این تعاریف، ترجمان حدیث نبوی شریف است که می‌فرماید: «احبس اصلها و سبل ثمرها» (نوری طبرسی، ۱۳۸۳، ص ۵۱۱). گرچه در قرآن و روایات از واژه وقف استفاده نشده است، ولی مدلول آن در روایات دیده می‌شود که از آن با تعبیر «صدقه جاریه» یاد شده است. در سیره معصومین علیهم‌السلام، به‌ویژه پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امیر مؤمنان علیه‌السلام نیز این مهم بسیار دیده می‌شود. همچنین وقف در گستره زمانی جوامع اسلامی، از آغاز تاکنون به‌عنوان یک سنت و رسم اسلامی که برگرفته از باورها و بینش‌ها و نیز ارزش‌های اسلامی است حضور داشته است؛ هرچند در زمانی این سنت حسنه رواج و فروغ بسیاری داشته است و در زمان دیگر، از فروغ آن کاسته شده است. گرچه پیش از اسلام و در ادیان

آسمانی دیگر و نیز حتی در جوامع غیردینی، وقف هم وجود داشته است، ولی با روح و ماهیت ویژه‌ای که اسلام به آن بخشید، به صورت یک نهاد تأسیسی اسلام ظاهر شده است که منشأ خیرات و برکات فراوان در جوامع اسلامی بوده است؛ به گونه‌ای که ابن‌خلدون ریشه برتری جوامع شرقی بر غربی - در زمان خودش - را مرهون همین نهاد مهم می‌داند! با مطالعه دقیق نهاد وقف در اسلام، می‌توان اهداف گوناگونی مانند: تأمین اجتماعی نیازهای طبقات فقیر جامعه و نسل‌های آینده، کمک به بهداشت جامعه، تهیه و تأمین بسترهای رشد علمی و فرهنگی جامعه، افزایش سطح معرفت دینی جامعه و نهادینه‌ساختن دینداری و... را از تأسیس این نهاد مهم دریافت.

۲. **پیشگیری از جرم:** پیشگیری در لغت به معنای هشدار دادن از وقوع چیزی و مانع وقوع چیزی شدن و پیش‌دستی آمده است (دهخدا: واژه پیشگیری). جرم به معنای هر نوع رفتار خلاف قوانین و مقررات اجتماعی است که ضمانت اجرای کیفری برای آن در نظر گرفته شده است. البته معنای جرم‌شناختی، جرم متفاوت و البته موسع از معنای جزایی آن است و هر نوع رفتار مغایر با هنجارهای اجتماعی را شامل می‌شود که جامعه به نوعی در مقابل آن واکنش نشان می‌دهد. مدل برخورد و مواجهه با جرایم تا مدت‌ها از نوع کیفری بود و از جمله اهداف کیفرها، ارعاب خاص (مجرم) و عام (آحاد جامعه) و بازدارندگی از جرم و تا حدی اصلاح و درمان مجرمان بود. بازدارندگی از جرم از راه کیفرها که گاه از آن به پیشگیری کیفری نیز تعبیر می‌شود، تا مدت‌های طولانی در جوامع به عنوان یک رویکرد غالب جلوه‌گر بود، در عین حال، افزایش نرخ جرایم و تغییراتی که در شیوه‌های ارتکاب جرم به موازات پیشرفت‌های بشری در عرصه‌های علم و فن‌آوری حاصل شد، ناکارآمدی تدابیر کیفری صرف را بیش از پیش مشخص ساخت و گرایش به اقدامات پیشگیرانه از جرم را تقویت کرد (علی محمد جعفری، ۱۴۱۸، ص ۲۰۲) البته نباید تحول سطح معرفتی بشر و اقبال بیشتر وی به ارزش‌های انسانی را در اهتمام به تدابیر پیشگیرانه، نادیده انگاشت. در هر حال، امروزه پیشگیری از جرم اگرچه یک گفتمان غالب نیست، ولی به عنوان رویکردی راجح و مهم خودنمایی می‌کند. پیشگیری در معنای اخیر، شامل همه اقدامات و تدابیری است که ماهیتی غیرکیفری و جمعی دارد و برای کاهش نرخ جرم در جامعه طراحی و اجرا

می‌شود. جرم‌شناسان و متخصصان، تعاریف بسیاری از جرم ارائه داده‌اند که هر یک بیانگر بُعدی از پیشگیری است که به نظر آنها مهم تلقی می‌شده است؛ مثلاً گاهی پیشگیری از جرم به «الگویی از نگرش‌ها و رفتارها که هدفش کاهش خطر جرم و بالا رفتن احساس امنیت و اطمینان است؛ زیرا به‌طور جدی بر کیفیت زندگی در جامعه تأثیر بگذارد و به ایجاد محیطی که در آن امکان رشد و گسترش جرایم وجود نداشته باشد، کمک کند» تعریف شده است (اشنایدر و کیچن، ۱۳۸۷، ص ۱۶). در تعریف دیگر، پیشگیری از جرم عبارت است از: «پیش‌بینی، تشخیص و ارزیابی خطر وقوع جرم و شروع به انجام اقداماتی برای از بین بردن یا کاهش وقوع آن» (همان). همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در تعریف نخست بیشتر از منظر روان‌شناختی و در تعریف دوم از بُعد مدیریتی به پیشگیری از جرم توجه شده است. روشن است با توجه به کثرت تعاریف ارائه شده، بهتر است درصدد واکاوی معیارهایی برای شناخت دقیق پیشگیری از جرم باشیم. ریموند گسن، جرم‌شناس شهیر فرانسوی معیارهای چهارگانه ذیل را برای شناخت ماهیت تدابیر پیشگیرانه ارائه می‌دهد:

۱. اقدامی پیشگیرنده تلقی می‌شود که هدف اصلی آن، اقدام مؤثر علیه عوامل و یا فرایندهایی است که در بروز جرم، نقش تعیین‌کننده‌ای دارند؛
۲. اقدامات پیشگیرنده، ماهیت جمعی دارند؛ یعنی موضوع و مخاطب آنها نه یک فرد، بلکه بخشی از یک جامعه یا همه آن جامعه، جمعیت هدف پیشگیری را تشکیل می‌دهد.
۳. اقدامات پیشگیرانه، پیش از وقوع جرم و نه پس از ارتکاب آنها، اعمال می‌شوند.
۴. اقدامات پیشگیرانه، اقداماتی غیرقهرآمیز و سرکوب‌گرانه‌اند (معاونت اجتماعی و پیشگیری از جرم قوه قضائیه، ۱۳۸۲، ص ۲۱).

گرچه در بیشتر معیارهای یادشده با ریموندگسن موافقیم، ولی به‌نظر می‌رسد اقداماتی که پس از وقوع جرم برای اصلاح و درمان مجرمان و تربیت آنها اعمال می‌شود و خاصیت غیرقهرآمیز دارد نیز در زمره اقدامات پیشگیرانه باشد. بنابراین، معیار سوم گسن مخدوش به‌نظر می‌رسد، مگر اینکه گفته شود اقدامات مورد بحث، برای پیشگیری از بزهکاری‌های بعدی است که در این صورت، قبل از وقوع بزهکاری اعمال شده است.

در هر حال پیشگیری از بزهکاری در معنای مضیق خود که فقط شامل پیشگیری غیرکیفری می‌شود، انواع و اقسامی دارد؛ به‌عنوان مثال، تقسیم پیشگیری به: عمومی و اختصاصی، پیشگیری فعال و انفعالی، پیشگیری از بزهکاری اطفال و پیشگیری از بزهکاری عمومی، پیشگیری اجتماعی و پیشگیری وضعی و پیشگیری براساس مدل پزشکی «نوع اول، دوم و سوم» (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۸۰، ص ۲۸۷-۲۸۹). آنچه در این مقاله مبنا قرار می‌گیرد، پیشگیری براساس مدل پزشکی است که تقریباً همه موارد پیشگیری را شامل می‌شود. این تقسیم‌بندی از علم پزشکی وارد جرم‌شناسی شد و برای اولین بار جرم‌شناسان امریکایی آن را ارائه کردند. علم پزشکی، پیشگیری از بیماری‌ها را در سه سطح دنبال می‌کند: سطح نخست به همه افراد جامعه تعلق دارد؛ سطح دوم به افراد در معرض خطر بیماری اختصاص دارد؛ سطح سوم به مصون‌سازی بیماران در قبال ابتلای مجدد به بیماری می‌پردازد (محمد نسل، ۱۳۸۷، ص ۴۲).

بر این اساس، در پیشگیری نوع اول یا پیشگیری اولیه، کوشش می‌شود تا همه جامعه در مقابل خطر بزه‌دیدگی و بزهکاری محافظت شوند؛ پیشگیری نوع دوم به ایمن‌سازی آن دسته از آحاد جامعه که بیشتر از دیگران در معرض بزه‌دیدگی کاری قرار دارند، اختصاص دارد و پیشگیری نوع سوم تدابیر و اقداماتی است به‌منظور جلوگیری از تکرار بزهکاری یا بزه‌دیدگی، با استفاده از روش‌های غیرکیفری. حال باید دید وقف در این سه نوع پیشگیری که در زیرمجموعه مدل پزشکی پیشگیری قرار دارد، چه جایگاهی دارد، ولی پیش از هر چیز، تبیین ویژگی‌های وقف در سیاست جنایی اسلام مفید می‌نماید.

۲. خصوصیات و ویژگی‌های فرهنگ وقف در سیاست جنایی اسلام

در میان آموزه‌ها و تعالیم اسلامی، وقف از ویژگی‌ها و خصوصیات منحصر به فردی برخوردار است که کارکردهای ویژه و ممتازی را برای آن در سیاست جنایی اسلام رقم می‌زند. وقف، تجلی احساسات و گرایش‌های فطری انسان، مانند حب ذات، میل به جاودانگی و جاودان‌طلبی، نوع‌دوستی، دیگرخواهی و... است (ایازی، ۱۳۸۸، ص ۳۶). همان‌طور که پیش از این گفته شد، طراحی و ابتدای سیاست‌ها و تدابیر اجتماعی - و در

بحث ما، سیاست جنایی - با ساختار شخصیتی انسان، ضریب موفقیت و مقبولیت آنها را در جامعه بالا می‌برد.

از سوی دیگر، وقف یکی از نهادهای مدنی جامعه اسلامی است که نقش مهمی در کاهش تصدی‌گری دولت و افزایش مشارکت شهروندان دارد. از این رو، دادن فرصت‌های لازم به دولت برای مصروف‌ساختن وقت و توان خود و نیز سرمایه‌های جامعه اسلامی در امور مهم دیگر (به‌ویژه بهره‌مند ساختن افراد و قشرهای محروم از امکانات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ضروری برای رشد و توسعه) پیامد وقف است. روشن است نتیجه این امر، افزایش ضریب امنیت کشور و در نهایت، کاهش جرم است (سیمبر، ۱۳۸۸، ص ۱۴۴). برخی از محققان از این ویژگی وقف به‌گونه‌ای دیگر تعبیر و تحلیل کرده‌اند و از «استقلال» نهاد وقف از دولت سخن گفته‌اند که گاه با سیاست‌های مداخله‌جویانه دولت‌ها که اوقاف را همچون اموال دولتی و گاه مانند اموال خویش می‌شمرده‌اند، در تضاد است و از سودمند بودن آن برای عموم می‌کاهد (سروش، ۱۳۸۸، ص ۱۶۸). استقلال نهاد وقف از دولت، به نوبه خود می‌تواند جبران‌کننده کاستی‌ها و بی‌توجهی‌های دولتمردان در مواجهه با مخالفان خود، به‌ویژه زندانیان سیاسی باشد.

ویژگی دیگر وقف این است که بهره‌مندی از وقف، در جامعه اسلامی به مسلمانان منحصر نمی‌شود، بلکه اعضای جامعه اسلامی حتی گمراهان، مخالفان و اقلیت‌های دینی را می‌تواند شامل شود. این نگاه همه‌جانبه که مبتنی بر نوعی تسامح دینی قابل استنباط از آموزه‌های اسلامی است، بنیان‌گسترده، جامع و فراگیری برای پیشگیری از رفتارهای نابهنجار فراهم می‌آورد. روشن است وقتی شخص - هرچند غیرمسلمان - از تأمین نیازهای اولیه و اساسی خویش عاجز باشد، ممکن است راهی جز ارتکاب جرم در پیش نگیرد. البته نباید این نکته ناگفته بماند که هرچند بهره‌برندگان از وقف می‌تواند عام باشد و هرکسی از جامعه اسلامی را شامل شود، ولی واقف می‌تواند شروط رفتاری خاصی برای بهره‌برندگان بگذارد که این شروط در پیشگیری از جرم مؤثر باشد. بیان این نکته نیز لازم است که هرچند خود واقف از وقف به‌طور مستقیم بهره نمی‌برد، ولی ثمرات و فواید آن در این دنیا نیز متوجه او می‌شود و بدین‌سان، گستردگی بهره‌برندگان از وقف، حتی خود واقف را نیز دربرمی‌گیرد؛ زیرا انفاق در راه خدا، علاوه بر اینکه

نیازهای جسمی، روحی و مادی نیازمندان را تأمین می‌کند، ثمرات دنیوی و اخروی فراوانی برای واقف دارد. از منظر دیگر، با انفاق مال، نوعی نگرش مثبت در محرومان و نیازمندان نسبت به واقف پدید می‌آید و همین امر او را از بزه‌دیدگی جانی و مالی مصون می‌دارد. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» (بقره: ۱۹۵). از سوی دیگر، خداوند متعال وعده داده است که کسانی را که کار نیک انجام می‌دهند، ده برابر پاداش دهد و بدون شک فزونی نعمت‌ها در این دنیا نیز از ثمرات آن است.

از ویژگی‌های دیگر وقف اینکه یک سنت حسنه است که ثمرات و برکات آن لحظه‌ای و موقت نیست، بلکه همیشگی و دائمی است و فقط یک مقطع زمانی خاص از حیات جامعه و گروهی خاص از شهروندان یک جامعه را پوشش نمی‌دهد، بلکه آثار آن در طول زمان و برای نسل‌های متمادی در جریان است. از این ویژگی در متون اسلامی با عنوان «صدقۀ جاریه» یاد شده است. به همین دلیل، وقف از جمله تدابیر و سیاست‌های ریشه‌ای و پایه‌ای در پیشگیری از جرم به حساب می‌آید.

ویژگی دیگر وقف به عنوان یکی از آموزه‌های اسلامی مؤثر در سیاست جنایی اسلام این است که موارد مصرف آن محدود نیست، بلکه گونه‌های اشکال و ابعاد مختلفی را پذیراست. چنین نیست که وقف فقط شامل ساختن مساجد شود، بلکه متناسب با هر نوع نیاز جامعه اسلامی، می‌توان از وقف استفاده کرد. بنابراین، اگر به این واقعیت مهم اجتماعی توجه کنیم که جرم علل و عوامل مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، روانی، محیطی و... دارد، می‌توان برای مواجهه با این گونه عوامل، از سنت حسنه وقف بهره جست. همان‌طور که مطالعه وقفنامه‌ها بیانگر این است که هریک از واقفان، متناسب با درک و بینش خود از مشکلات مسائل اجتماعی، مال و املاک خویش را وقف می‌کرده‌اند که در این مقاله به پاره‌ای از آنها اشاره خواهد شد.

به بیان دیگر، وقف می‌تواند مصارف گوناگونی را متناسب با نیازهای جامعه اسلامی تأمین کند، مشروط بر اینکه هم جایگاه و ابعاد آن به‌خوبی برای مردم تعریف شود و هم ضمانت اجراهای حقوقی لازم برای عملی شدن نیت‌ها و مقاصد واقفان لحاظ شود. در هر حال، گزاره نیست اگر بگوییم هیچ نیازی از نیازهای حیاتی جامعه اسلامی نیست که نتوان با وقف آن را علاج کرد.

۳. وقف و پیشگیری اولیه از جرم

پیش‌تر گفته شد که مخاطب پیشگیری اولیه، همهٔ آحاد جامعه است و هدف از این نوع پیشگیری، مصون‌سازی و ایمن‌کردن همهٔ جامعه در مقابل خطر بزهکاری و بزه‌دیدگی است. از این رو، این نوع پیشگیری، به پیشگیری اجتماعی «Social prevention» یا پیشگیری ریشه‌ای تعبیر می‌شود؛ زیرا هدف در این نوع پیشگیری، اصلاح شرایط محیط فیزیکی و اجتماعی بزهکاری و سوزاندن ریشه‌های اجتماعی بزهکاری است. جرم‌شناسی ثابت کرده است که جرم، ریشه در عوامل اقتصادی، فرهنگی، خانوادگی، سیاسی و... دارد و این‌گونه عوامل که بیرون از فرد وجود دارد، بر ساختار شخصیتی، جسمی و روح فرد مؤثر واقع می‌شود و او را به بزهکاری می‌کشاند. بدین ترتیب، جرم حاصل تعامل دو دسته از عوامل فردی و اجتماعی است. در پیشگیری نوع اول، تلاش بر این است که با عوامل اجتماعی مؤثر بر جرم که می‌تواند هر شخص را در معرض بزهکاری قرار دهد، مقابله شود. بدون شک بی‌کاری، بی‌سوادگی، کاهش علاقه، باورها و التزامات دینی، نبود امنیت اجتماعی و... جزء این عوامل به‌حساب می‌آیند. مطالعهٔ وقفنامه‌ها نشان می‌دهد که وقفنامه‌ها با هدف‌گیری این‌گونه عوامل اجتماعی، نقش مهمی در کاهش بزهکاری ایفا کرده‌اند و می‌توانند نقش مهمی در این باره داشته باشند. در ذیل به محورهایی از این نوع پیشگیری اشاره می‌شود:

۳-۱. افزایش امنیت عمومی جامعه

امنیت واقعی و پایدار، مقوله‌ای مرتبط با عدالت اجتماعی است. گرچه ممکن است در جوامعی که تضادها و قشربندی‌های اقتصادی و فرهنگی در آنها قوی است و بخش کمی از جامعه در تنعم و ثروت و بخش عمدهٔ جامعه در محرومیت و ناداری، زندگی خویش را سپری می‌کنند، با زور اسلحه و نظامی‌کردن فضای جامعه و ایجاد رعب وحشت، چند صباحی امنیت حاکم شود، ولی این امنیت نه امنیتی انسانی است و نه امنیتی پایدار، بلکه به شدت شکننده است. همان‌طور که گفته شد، وقف می‌تواند عدالت اجتماعی را در جامعه تا حد قابل توجهی برقرار سازد و در رفع تبعیض‌ها و نابرابری‌های اقتصادی و... مؤثر افتد. بنابراین، افزایش ارتقای امنیت اجتماعی، ثمرهٔ

عدالت اجتماعی حاصل از وقف خواهد بود. البته تأثیر وقف فقط به امنیت اجتماعی محدود نمی‌شود: «وقف می‌تواند ضریب امنیت را در همه سطوح بالا ببرد؛ در زمینه فردی باعث توسعه فردی و تکامل شخصیتی فرد واقف شود و افرادی که از منافع وقف بهره می‌برند نیز به نوبه خود احساس امنیت بیشتری خواهند داشت؛ در زمینه امنیت ملی، با تحقق هرچه بیشتر عدالت اجتماعی و برابری فرصت‌ها در سطح اجتماع، راه برای گسترش توسعه سیاسی و اقتصادی هرچه بیشتر جوامع هموار می‌شود و در نهایت، در سطح بین‌المللی نیز می‌تواند به گسترش همکاری‌های متقابل، توسعه پایدار و ارتقای موازین حقوق بشر کمک کند» (سیمبر، ۱۳۸۸، ص ۱۲۴).

امنیت حاصل از وقف، فقط بهره‌برندگان از وقف را پوشش نمی‌دهد، بلکه خود واقف را نیز بهره‌مند می‌سازد. واقف که معمولاً از امکانات مالی خوبی برخوردار است، با وقف کردن اموال خویش، نگرش آحاد و طبقات ضعیف و محروم جامعه را نسبت به خود، خانواده و دارایی‌هایش عوض می‌کند و بغض‌ها و کینه‌هایی را که به دلیل محرومیت و عدم برخورداری طبقات فقیر از ثروتمندان در دلشان جای گرفته است، می‌زداید و یا از ایجاد آنها جلوگیری می‌کند و به جای آن، احترام، محبت، دلدادگی و تحسین نسبت به آنها را در نفوسشان استقرار می‌بخشد. از مواردی که در اسلام صدقه‌دادن استجاب دارد، صدقه بر خویشاوندان کینه‌توز است؛ از امام پرسیدند: کدام صدقه برتر است؟ امام در پاسخ فرمود: «علی ذی رحم الکاشح؛ بر خویشاوند کینه‌توز» (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۶۸). از جمله تحلیل‌هایی که می‌توان درباره این روایت ارائه کرد اینکه این نیکویی باعث رفع عداوت و کینه می‌شود. وقف نیز نوعی صدقه است، آن هم صدقه جاریه و مستمر که آثار آن در طول زمان، استمرار و دوام دارد و شامل خود واقف نیز می‌شود و امنیت جانی، مالی و روحی او را صیانت می‌کند.

از سوی دیگر، وقف در تأمین امکانات و تجهیزات لازم برای مأموران امنیتی نیز می‌تواند به کار آید. مطالعه وقفنامه‌های گذشته نشان می‌دهد، از جمله مواردی که واقفان مدنظر داشته‌اند و جزء مصالح عامه به حساب می‌آید، تجهیز ارتش و قوای نظامی و امنیتی برای مقابله با سرکشان و طاغیان داخلی و خارجی بوده است (علی جمعه محمد، ۱۹۹۳، ص ۱۲۲-۱۲۳). گفته شده است که منصور سعدی با استفاده از اموال وقفی قوای

خویش را مسلح ساخت و فتنه‌ای که در دولت او ایجاد شده بود را سرکوب کرد. هزینه این امر در آن زمان هشتاد هزار دینار بود (همان، ص ۵۴۹). همچنین، مطالعه تاریخ گذشته اسلامی نشان می‌دهد برخی موقوفات برای آزادی اسرای مسلمانان از دست دشمنان بوده است (احمد محمد عبدالعظیم الجمل، ۱۴۲۸، ص ۱۳). البته همان‌طور که گفته شد، امنیت منحصر در امنیت جسمی، جانی و مالی نیست؛ امنیت فکری و روحی نیز مقدمه‌ای بسیار مهم و حیاتی است. با مطالعه تاریخ گذشته می‌توان دریافت که اوقاف، باعث تضمین امنیت روحی و فکری مردم نیز می‌شد؛ زیرا هزینه‌های علم‌آموزی، علما و مراکز علمی - تحقیقی را تأمین می‌کرد و در نتیجه، رأی و اندیشه را از استبداد سلاطین رهایی می‌داد و دانشمندی را تربیت می‌کرد که قدرت اجتماعی‌شان از قدرت پادشاهان و حاکمان، به مراتب بیشتر بود (فضل‌الله، ۱۳۸۹، سایت دایرةالمعارف اعجاز علمی قرآن).

۴۷

۳-۲. ایجاد فضای محیطی و شهری مناسب برای پیشگیری از جرم

وقف در ایجاد فضای محیطی لازم برای شهروندان، به‌گونه‌ای که دلبستگی آنها به محیط بالا رود و برای تأمین امنیت احساس مشارکت کنند، مؤثر است. برخی از جرم‌شناسان که رابطه محیط مسکونی با جرم را بررسی کرده‌اند، به این نکته اذعان دارند که فعالیت‌های مجرمانه به‌نحوی با محیط زیست مجرمان گره می‌خورد؛ مثلاً شاو و مک‌گی در پژوهش خود درباره نواحی جرم‌خیز شهر شیکاگو دریافتند که بالاترین نرخ بزهکاری مربوط به مناطقی است که ساختمان‌های مخروبه و خانه‌های خالی بیشتری دارد و ساکنان، کمترین دلبستگی به آن محله دارند (ولد و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۲۰۲-۲۰۳). استارک نیز در تحقیق خود به‌دنبال این بود که چه عنصری از محله، غیر از اهالی آن، با نرخ بیشتر جرم ارتباط دارد. او دریافت که فقر، تراکم جمعیتی، کاربرد مختلط (وجود اقامتگاه، صنایع و فروشگاه‌ها در یک مکان) و خرابی (فروریختن ساختمان‌ها)، در این مهم مؤثر است (همان، ص ۲۰۸). افزون بر اینها، نبود روشنایی لازم، عدم برخورداری شهر از هندسه و طراحی جذاب و نبود امکانات محله‌ای لازم می‌تواند در افزایش جرم مؤثر باشد. پژوهشگران دریافته‌اند که وقفیات در جامعه

اسلامی، در خلق فضای شهری منعبت از جهان‌بینی اسلامی نقش بسیار مؤثری دارد. وقف در آبادانی شهرها، ایجاد فضاها و اماکن مورد نیاز جامعه برای رفع نیازهای روحی و جسمی؛ مانند مسجد، مدرسه، حمام، آب‌انبار، سقاخانه، روشنایی معابر، بازارچه‌ها و بازارها و گسترش موزون شهرها نقش بسیاری داشته است (مشکینی و ملایری، ۱۳۸۸، ص ۱۵۸-۱۵۹). روشن است این امور در کاهش جرم و جنایت نقش عمده‌ای داشته است؛ به‌ویژه که تنوع اماکن وقفی، از عوامل بسیار مؤثر در افزایش سطح روابط در جامعه بوده است. وجود کاربری‌های مورد نیاز محله‌ها و مناطق مختلف شهری و محیط سالم زندگی ساکنان، از مشخصه‌های یک شهر ایده‌آل است که خود باعث عدم تمرکز در ساختار فضای شهری می‌شود (همان، ص ۱۶۵) و به کاهش سطح تنش‌ها، ایجاد عدالت اجتماعی و رفع تبعیض‌ها و نابرابری‌های اجتماعی کمک می‌کند.

۳-۳. گسترش و تقویت فرهنگ تعامل و وفاق اجتماعی

از منظر جهان‌بینی اسلامی، انسان موجودی بریده از جامعه نیست و نباید باشد. انسان اجتماعی از نظر اسلام انسانی است که خود را در مقابل جامعه مسئول می‌داند؛ خود را جزئی از جامعه می‌داند؛ منافعش را از منافع جامعه می‌داند؛ خیر اجتماع را خیر خود و شر اجتماع را شر خود می‌داند (علامه طباطبایی، [بی‌تا]، ص ۳۷). رفتار اجتماعی افراد از منظر اسلام در صورتی درست و ارزشمند است که مصالح کلی جامعه را در پی داشته باشد (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص ۳۳). انسان رشد یافته در پرتو تعالیم حیات‌بخش اسلام، خود را نه تنها در مقابل جامعه، بلکه در مقابل همه هستی مسئول می‌داند؛ زیرا «انسان برای هر ذره از موجودات، هدف، رسالت، تعهد و مسئولیت قائل است. در چنین نگاهی، فرد برای خود نسبت به زمین و آسمان و در نهایت حیوان، احساس مسئولیت می‌کند» (مطهری، ۱۳۸۰، ص ۳۶۳). بر پایه این نگرش عمیق، انسان در قبال جامعه تکالیف و وظایفی برعهده دارد. مدنیت اسلامی بر پایه چنین نگرش‌ها و بینش‌هایی استوار است. در این مدنیت، انسان‌ها در عین حفظ حقوق خصوصی یکدیگر، بیشترین ارتباط و هماهنگی را برای دستیابی به مصالح عالی اجتماعی با یکدیگر دارند. وقف، گذشته از آنکه نوعی مبارزه مؤثر با خودخواهی‌ها، خودمحوری‌ها و فزون‌طلبی‌هایی

است که به اقتضای بُعد حیوانی نفس انسانی در فرد جلوه‌گر می‌شود، باعث تقویت ارتباطات اجتماعی و گسترش فرهنگ همدردی و وفاق اجتماعی می‌شود. روشن است که این دو، نقش بسیار مهمی در پیشگیری از جرم دارند. وقف با رفع نیازهای پایه‌ای افراد محروم، آنها را به ارتباط مثبت و مؤثر و پرهیز از هنجارشکنی و جامعه‌گریزی و جامعه‌ستیزی تشویق می‌کند و به گسترش اخلاق فردی و اجتماعی کمک می‌کند. به بیان دیگر، وقف، از سویی آن دسته از آرزوهای فردی که باعث تفرد و در نتیجه جدایی فرد از جامعه می‌شود را از فرد دور می‌کند و از سوی دیگر، افراد را به ارتباط هرچه بیشتر با جامعه و گسترش وفاق اجتماعی تشویق می‌کند. بنابراین، در این فرهنگ، چگونگی استفاده از مال در جهت چگونگی ارتباطات اجتماعی و هر دو در مسیر تکامل و سعادت فرد و جامعه رقم می‌خورد؛ زیرا اگر فرهنگ حاکم بر جامعه، فرهنگ تعاون، تکامل و مقاصد اجتماعی نباشد، جامعه، ساختار و فرآیندی آسیب‌زا خواهد داشت که گذشته از آنکه ره‌آورد آن، مشکلات و مسائل اجتماعی فراوان برای جامعه خواهد بود، افراد را نیز از دستیابی به سعادت و تکامل فردی محروم می‌سازد.

۳-۴. تأمین عدالت اجتماعی

از جمله کارکردهای وقف که نقش بسیار مؤثری در پیشگیری از جرم دارد، کمک به ایجاد و تقویت عدالت اجتماعی و رفع تبعیض‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است. تبعیض‌ها و نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی از جمله خاستگاه‌های مهم اجتماعی جرم و ناهنجاری در جامعه است که مدنظر جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان بوده است و تبیین‌های گوناگونی از ارتباط این دو ارائه کرده‌اند که از آن جمله می‌توان به نظریه‌های خرده فرهنگی، فشار، تضاد و... اشاره کرد. از دیدگاه مرتون، تأکید جامعه بر اهدافی مانند ثروت‌اندوزی و تحصیلات عالی، در عین فراهم‌نبودن ابزارهای مشروع، دستیابی به این اهداف برای طبقات مستضعف و محروم جامعه که درصد بالایی نیز از جمعیت بیشتر جوامع امروزی را تشکیل می‌دهد، باعث می‌شود تا آنها به ابزارهای نامشروع و روش‌های مجرمانه و منحرفانه برای دستیابی به این اهداف و آرمان‌ها روی آورند (ویلیامز و مک‌شین، ۱۳۸۳، ص ۱۱۰-۱۱۱). نظریه‌های خرده فرهنگی نیز بر اثرات

روانی حاصل از فشار ناشی از محرومیت‌ها و ناداری‌ها، به‌ویژه نسبت به کودکان و نوجوانان طبقات فرودست تأکید می‌کنند که باعث کشیده‌شدن آنها به ورطهٔ بزهکاری می‌شود (همان، فصل هفتم). دیدگاه‌های تضاد مانند دیدگاه مارکس و انگلس نیز تفاوت‌های فاحش طبقاتی و تضاد اقتصادی را منشأ دیگر تضادهای فرهنگی و اجتماعی می‌دانند و آن را باعث بروز واکنش‌هایی از سوی کارگران و طبقات فرودست و محروم جامعه برای تأمین نیازهای معیشتی خود و تخلیهٔ فشارهای روانی می‌داند که البته اینها را در مقایسه با جرایم سرمایه‌داران و یقه‌سفیدان که جرایم واقعی‌اند، جرایم صوری و غیرواقعی می‌داند (ولد و دیگران، ۱۳۸۰، فصل شانزدهم). از این نظریه‌ها راهبردهایی نیز استفاده شده است که برخی از آنها مانند راهبرد تغییر نظام اجتماعی - سیاسی جامعه از کاپیتالیستی به کمونیستی (ارائه‌شده در دیدگاه تضاد)، راهبردی بنیادین تلقی می‌شود و برخی راهبردهایی است از قبیل ایجاد فرصت‌های کاری، سازماندهی اجتماعی طبقات فرودست، جنگ علیه فقر و... که در عمل، موفقیت چندانی هم نداشته است و «اگرچه میلیاردها دلار برای این برنامه‌ها صرف شد، ولی به‌نظر می‌رسد تنها نتیجهٔ روشن آن، مقاومت سیاسی همه‌جانبه‌ای بود که در مقابل تلاش برای گسترش فرصت‌ها برای مردمان محروم از فرصت‌ها به‌وجود آمد» (همو، ۱۳۸۰، ص ۲۳۲). روشن است وقتی برنامه‌ها براساس یک نظام معرفتی و بینشی همخوان با فطرت انسانی فراهم نیاید، نتیجه‌ای جز ناکامی و شکست به‌دنبال نخواهد داشت.

تعالیم آموزنده و حیات‌بخش اسلام، از سویی بر بهره‌برداری انسان از مواهب و نعمت‌های الهی تأکید می‌کند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا» (بقره: ۱۶۸) و از سوی دیگر، بر روحیهٔ کار و تلاش برای به‌دست آوردن روزی حلال ترغیب می‌کند: «العبادة عشرة أجزاء تسعة منها طلب الحلال» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص ۲۷) و بر فراهم آوردن اسباب آسایش و رفاه خانواده و افراد تحت تکلف انسان تأکید دارد و از تکدی‌گرایی، گدایی و گدایی‌پروری نهی می‌کند.

از طرفی نیز با بیان این نکته که «آنچه در اختیار مردم است، امانت‌های الهی است که باید با استفادهٔ مشروع توأمان باشد»، به ضرورت رفع نیازهای محتاجان و طبقات محروم جامعه تأکید می‌کند. از امام صادق علیه السلام ذیل آیهٔ شریفهٔ «كلوا واشربوا ولا تسرفوا»

(انعام: ۱۴۱)، روایت شده است که حضرت فرمودند: «المال مال الله يضعه عند الرجل و دايع و جوز لهم ان يأكلوا قسداً و يشربوا قسداً و يلبسوا قسداً و ينكحوا قسداً و يعودوا بنا سوى ذلك على فقراء المؤمنين و يلموا به شعهم؛ مال مال خداست که آن را نزد افراد به امانت سپرده است و به آنها اجازه داده است با اعتدال و میانه‌روی از آن بخورند و بنوشند و بپوشند و ازدواج کنند و مازاد آن را به نیازمندان جامعه باایمان برگردانند و نابسامانی‌های‌شان را برطرف گردانند» (حرّ عاملی، [بی‌تا]، ج ۸، ص ۳۶۶). بنابراین، رفع نابسامانی‌ها و محرومیت‌های جامعه از جمله وظایف یک مسلمان واقعی است که آموزه‌های قرآنی و روایی به‌طور گسترده‌ای بر آن دلالت دارد و در قالب دستورهای ویژه‌ای همچون انفاق، تجلی یافته است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» (بقره: ۱۹۰). همراه آوردن دستور به انفاق و نهی از فروافتادن با دست خود در مهلکه، حکایت از ارتباط این دو دارد. وقف یا صدقه جاریه نیز از جمله انفاق‌هاست که آدمی را از گرداب‌ها و مفسد اجتماعی ناشی از تبعیض‌ها و نابرابری‌ها حفظ می‌کند. در واقع افزایش نرخ جرم و افزایش انواع جرایم، از این گرداب‌ها و مهلکه‌هاست که ریشه در بی‌عدالتی‌های اجتماعی دارد. بی‌عدالتی‌هایی که حاصل توجه‌نکردن به تعالیم دینی و آموزه‌های مذهبی نسبت به عدم ثروت‌اندوزی و توجه به محرومان و مستضعفان است: «والذین یکنزون الذّهب والفضة ولا ینفقونها فی سبیل الله فبشرهم بعذاب الیم» (توبه: ۳۴).

شکاف‌های طبقاتی و افزایش محرومیت توده‌های فقیر و حاشیه‌نشین، آسیب‌های اجتماعی فراوانی به‌دنبال دارد و راهکار وقف، نوعی اعتدال‌آفرینی و پیشگیری از این آسیب‌هاست (علی‌آبادی، ۱۳۸۸، ص ۲۱۶). وقف وسیله‌ای برای تکافل مادی اعضای جامعه اسلامی و ایجاد توازن و از جمله عوامل تنظیم‌کننده حیات اجتماعی است (عبدالحق حمیش، ۱۳۸۸، ص ۵۴۶). برخی از محققان با اشاره به کارکردهای اقتصادی وقف، نقش آن را در تأمین اجتماعی جامعه و برطرف‌ساختن مفسد اجتماعی تبیین کرده‌اند:

وقف در بُعد تأمین اجتماعی، هم‌زمان منشأ دو اثر عمده در جامعه است: از یک سو همچون چتری بزرگ سایه خود را بر همه نیازمندان می‌گستراند و جامعه را از فقر و تنگدستی که عامل بسیاری از مفسد اجتماعی و اخلاقی و سستی در ارکان دین است،

نجات می‌دهد و امکان هم‌زیستی مسالمت‌آمیز جامعه را در محیطی مملو از اخوت و حسن ظنّ که زمینه‌ساز پیشرفت و تعالی جامعه خواهد شد، فراهم می‌کند؛ از سوی دیگر با حل مسئله تأمین اجتماعی به‌وسیله خود مردم به‌صورت خودجوش، اشکالات اجرایی را که معمولاً قوانین اجتماعی دارند، نخواهد داشت و مهم‌تر از آن اینکه وقف، بار مالی این امور را از دوش دولت اسلامی برمی‌دارد (سلیمی‌فر، ۱۳۷۰، ص ۱۴۸).

تأمین عدالت اجتماعی با مشارکت مردم به‌وسیله وقف از بُعد دیگری نیز در پیشگیری از جرم نقش دارد و آن حفظ کرامت انسانی نیازمندان است. متون اسلامی به‌صراحت میان کرامت نفسانی انسان‌ها و کاهش رفتارهای مجرمانه و نابهنجار آنها رابطه برقرار می‌سازد (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۶، ص ۷۲). امام علی علیه السلام می‌فرماید: «من کرمت نفسه قل شقائه و خلافه» (آمدی تمیمی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۱۱). روشن است از جمله اموری که سستی و خواری شخصیت انسان‌ها را باعث می‌شود، نیازمندی‌های مادی آنهاست. حال اگر نیازهای معیشتی افراد به‌گونه‌ای تأمین شود که کمترین آسیب شخصیتی و روحی را برای آنها در پی داشته باشد، بدون شک آنها را به ورطه رفتارهای نابهنجار نخواهد کشاند. وقف مکانیزمی این‌گونه برای تأمین نیازمندی محرومان به همراه دارد؛ زیرا در بیشتر موارد، مصرف‌کنندگان مواهب وقف، هرگز با واقف روبه‌رو نمی‌شوند و بدون هیچ متنی از موقوفات بهره می‌برند (کوشکی، ۱۳۸۰، ص ۳۲۵)؛ به‌ویژه که وقف می‌تواند به‌گونه‌ای باشد که فرد را به‌سوی کار و تولید بکشانند و زمینه‌های اشتغال و رفع بی‌کاری او را فراهم آورد. بر این اساس است که وقف باعث آفرینش و بروز نیروهای تولیدی می‌شود و بی‌کاری را که منشأ بسیاری از مفاسد اجتماعی است، از میان برمی‌دارد (احمد محمد عبدالعظیم الجمل، ۱۴۲۸، ص ۱۶۶-۱۶۷).

۳-۵. گسترش شعائر و تعالیم اسلامی

از جمله کارکردها و البته بیشترین کارکرد وقف در جامعه اسلامی، کمک به ترویج فرهنگ اسلامی و ارتقای شعائر دینی و افزایش سطح معرفت و باورهای آحاد جامعه اسلامی است. روشن است این مهم نقش بسیار مؤثری در پیشگیری از جرم دارد. ابن‌خلدون در مقدمه کتاب خود تصریح کرده است که از عنایات خداوند به شرق،

رواج بازار دانش و عمران و آبادی (تمدن و شهرنشینی) از راه اوقاف است. در بُعد مذهبی، تأسیس مساجد و تأمین مخارج و تبلیغات و نشر دعوت، از ثمرات وقف است. در تمدن عظیم اسلامی، مساجد فقط مکان‌هایی برای اقامه نماز نبوده است، بلکه مرکز نشر اسلامی و تعلیم و تربیت آحاد اجتماع، به‌ویژه نسل نوحاسته جامعه اسلامی بوده است. مساجد محل وعظ و هدایت مردم و آگاه‌کردن آنها از خوبی و بدی امور و نیز مرکزی برای بررسی مشکلات و مسائل جامعه اسلامی بوده است. تأمین هزینه‌های ساخت و اداره و تبلیغات مسجد، همه از راه وقف بوده است. آگاه‌کردن مردم از اغراض و اهداف و آموزه‌ها و تکالیف دینی و حلال و حرام خداوندی و توانا ساختن آنها بر انجام فرایض و شعائر مذهبی، از کارکردهای وقف است که خود سهم مؤثری در پیشگیری از جرم دارد (ر.ک به: معاونت فرهنگی سازمان اوقاف و امور خیریه، ۱۳۷۸، ص ۴۴-۴۵).

۵۳

حقوق اسلامی / نقش وقف در پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیدی

فراهم کردن زمینه‌های حضور مردم، به‌ویژه نوجوانان در مساجد و حسینیه‌ها نقش مهمی در کاهش بذرقتاری آنها دارد. تحقیقات جرم‌شناسی بر ارتباط وثیق انجام فرایض مذهبی و کاهش جرم، دلالت دارد. گلوک‌ها در تحقیقات خود دریافتند که ۵۴/۲ درصد از نوجوانان بزهکار، کسانی بودند که به کلیسا نمی‌رفتند و آشنایی با آداب و شعائر مذهبی نداشتند (کی‌نیا، ۱۳۷۰، ص ۲۴۲). علیزاده در تحقیقی که در سال ۱۳۷۵ از زندان‌های مشهد انجام داده است، به این نتیجه رسیده است که ۵۶ درصد بزهکاران جامعه مورد تحقیق خود، نسبت به جهان‌بینی اسلامی و اصول و عقاید و اندیشه‌های بنیادین مکتب اسلام، ناآشنا بوده‌اند. همچنین، ۸۲ درصد بزهکاران جامعه آماری، با اصول اخلاقی اسلام و رفتارهای اخلاقی پسندیده از دیدگاه اسلام، آشنا نبوده‌اند. افزون بر این، ۵۳/۵ درصد بزهکاران، با احکام ساده و ابتدایی دین اسلام آشنا نبوده‌اند و آن را در زندگی خویش به‌کار نمی‌بسته‌اند. ۵۴/۵ درصد از بزهکاران، شناخت اولیه لازم از معارف قرآنی را نداشته‌اند. ۵۸ درصد بزهکاران، با ساده‌ترین معارف حدیثی اسلام که در میان مسلمانان مشهور معتبر است، آشنا نبوده‌اند و از همه مهم‌تر اینکه ۷۰ درصد بزهکاران، در مکان‌ها و مراسم مذهبی شرکت نمی‌کردند. در مجموع ۷۳/۵ درصد بزهکاران، شناخت ابتدایی و ساده نسبت به مذهب نداشتند (علیزاده، ۱۳۸۲، ص ۱۱۵-۱۵۹).

۴. وقف و پیشگیری نوع دوم

افزون بر اقدامات اساسی و زیربنایی که برای از بین بردن ریشه‌ها و خاستگاه‌های اجتماعی جرایم در ابعاد مختلف فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی و... به کار برده می‌شود، اقدامات پیشگیرانه دیگری نیز برای گروه‌ها و اقشار خاصی از جامعه که استعداد مجرمانه بیشتر یا آسیب‌پذیری بیشتری دارند و هر لحظه ممکن است در معرض وقوع جرم یا بزه‌دیدگی قرار گیرند، ضرورت دارد. پیشگیری نوع دوم، از حیث مخاطب با پیشگیری نوع اول تفاوت اساسی دارد. موضوع مخاطب پیشگیری نوع اول، همه آحاد جامعه اعم از کودکان، نوجوانان و بزرگسالان از هر طبقه و قشری‌اند، در حالی که اقدامات و تدابیر پیشگیرانه نوع دوم، اقشار و گروه‌های در معرض خطر را شامل می‌شود. این بدان معناست که اقدامات نوع اول، به دلیل تفاوت‌های فردی و نیز تفاوت‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی معناداری که در جامعه وجود دارد و نیز زمان قابل توجهی که می‌طلبد تا تأثیر خویش را در جامعه بر جای گذارد، برای کاهش نرخ جرم در جامعه کفایت نمی‌کنند. برخی افراد و گروه‌ها به دلیل ویژگی‌های خاصی در معرض ارتکاب جرم یا بزه‌دیدگی قرار می‌گیرند و اگر چاره‌اندیشی جدی نسبت به این‌گونه افراد به عمل نیاید، ارتکاب جرم یا بزه‌دیدگی آنها دور از انتظار نخواهد بود. از این گروه می‌توان به دختران فراری، کودکان و نوجوانان پرخاشگر و سرکش، کسانی که در اوج بلوغ جنسی قرار دارند و قادر به تشکیل زندگی خانوادگی نیستند، اشخاص دارای اختلالات و بیماری‌های روانی نظیر پارانوئیا، سیکلوتیدی‌ها و... اشاره کرد. بنابراین، موضوع مخاطب اقدامات پیشگیرانه نوع دوم، فقط برخی آحاد گروه‌های خاص و نه همه آحاد جامعه‌اند که به دلیل وضعیت‌های فردی و اجتماعی خاصی که در آن قرار گرفته‌اند، هر لحظه در معرض ارتکاب جرم و بزه‌دیدگی قرار دارند. ماهیت تدابیر و اقدامات پیشگیرانه نوع دوم نیز با اقدامات پیشگیرانه نوع اول، تفاوت ماهوی و اساسی دارد؛ مانند کسی که در آستانه بیماری قرار گرفته است و علائم و نشانه‌های جسمی و زیستی او حکایت از این دارد که به‌زودی به بیماری خاصی مبتلا خواهد شد و به همین دلیل، اقدامات اورژانسی، مقطعی و کوتاه‌مدت با درجه تأثیرگذاری زیاد و برحسب موقعیت و ویژگی‌های مخاطب، نسبت به او انجام می‌شود تا به حالت طبیعی

بازگردد. اقدامات پیشگیرانه نوع دوم نیز نوعی علاج مقطعی و کوتاه‌مدت با درجه تأثیرگذاری بالا نسبت به کسانی است که در معرض بزه‌دیدگی و بزهکاری قرار دارند تا از اثر عوامل خطرآفرین سریعاً کاسته شود. در نهایت، آخرین تفاوت اقدامات پیشگیرانه نوع دوم با پیشگیری‌های نوع اول در این است که این اقدامات، به تناسب نیاز هر مخاطب، به لحاظ کمی و کیفی تنوع می‌یابد، در حالی که اقدامات نوع اول برای عموم جامعه به صورت یکسان به اجرا درمی‌آید. مفاد برخی از وقفنامه‌ها ناظر به اقداماتی این چنین برای افراد در معرض خطر بزه‌دیدگی و بزهکاری است. در اینجا به مواردی اشاره می‌شود:

۴-۱. تأمین امنیت لازم برای زنان مطلقه یا فراری از خانه

از جمله موارد وقف، کمک به زنانی بوده است که به دلیل نزاع و درگیری با شوهرانشان از خانه جدا شده‌اند و راهی برای سکونت و امرار معاش خویش پیدا نمی‌کرده‌اند. برخی وقف‌کنندگان، خانه‌هایی را به منظور اسکان این گونه زنان تأسیس کرده‌اند و درآمدی خاص را برای تأمین نیازهای آنان اختصاص داده‌اند و سرپرستی را که از جنس خود زنان و البته نیک‌خواه و نیک‌سیرت باشد، برای اداره آن خانه به‌کار گماشته‌اند. این سرپرست موظف است ضمن حفاظت و مراقبت از این زنان، اسباب آشتی آنان را با شوهرانشان فراهم آورد یا اگر کار آنها به طلاق کشیده شده است، تا مدت زمان لازم، آنها را تحت سرپرستی خود داشته باشد. روشن است این قبیل اقدامات از فروافتادن این گونه زنان به بزهکاری و بزه‌دیدگی جلوگیری می‌کرده است. تحقیقات جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از زنانی که به روسپیگری کشیده شده‌اند، کسانی‌اند که به دلیل نزاع و درگیری با شوهرانشان از خانه گریخته‌اند و هرچند تا ساعت‌ها بی‌غذایی و بی‌پناهی در خیابان را تحمل کرده‌اند، ولی سرانجام برای یافتن مسکن و غذا، به تن‌فروشی روی آورده‌اند و این سرآغاز زندگی شوم روسپیگری آنها بوده است.

۴-۲. وقف برای فرونشاندن خشم‌ها و کینه‌ها

مطالعه وقفنامه‌ها نشان می‌دهد برخی موقوفات برای امداد و کمک به اطفال و خدمتگذارانی بوده است که به دلیل ناتوانی در انجام کار، ظروف و وسایلی را که در

اختیار داشته‌اند می‌شکستند و در معرض خشم والدین یا ارباب خود قرار می‌گرفتند و ممکن ممکن بوده است مورد ضرب و شتم قرار گیرند. ابن‌بطوطه در سفرنامه خود آورده است: «روزی در یکی از کوچه‌های دمشق می‌گذشتم. غلام بچه‌ای را دیدم که از دستش یک کاسه چینی که در دمشق «صحن» نامیده می‌شود، افتاد و بشکست. مردم گرد او جمع شدند، یکی از آن میان گفت: غم نخور، شکسته‌های کاسه را جمع کن ببریم پیش رئیس اوقاف ظروف. غلام خرده‌ها را جمع کرد و آن مرد همراه او پیش رئیس اوقاف مزبور رفت و پول ظروف را گرفت و به او داد. این یکی از کارهای خوب دمشقیان است و اگر چنین وقفی نبود، طفل در معرض ضرب و شتم ارباب خود قرار می‌گرفت و خاطرش رنجور می‌گشت. خداوند بانیان بلندهمت این‌گونه خیرات را جزای خیر کرامت فرماید» (ابن‌بطوطه، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۱۴۲).

از نمونه‌های دیگر وقف در پیشگیری نوع دوم می‌توان وقف برای پوشاک زنان مستحق، وقف برای اطفال سرراهی، وقف برای سیل‌زدگان، زلزله‌زدگان و... را نام برد (معراجی، ۱۳۸۵، ص ۲۵۶-۲۵۷).

۳-۴. تأمین امنیت و آسایش غریبان و مهاجران

از جمله عوامل مؤثر بر بزه‌دیدگی، غربت و انزوای مکانی است. مسافرت و دوری از خانواده به دلیل مهاجرت و جابه‌جایی جغرافیایی ناشی از کار، وضعیت‌هایی هستند که احتمال بزه‌دیدگی افراد را افزایش می‌دهند (ژارلیز و ژنیا فیلزولا، ۱۳۷۹، ص ۶۴). غریب بودن و نداشتن مسکن و مأوا، همراه با عدم برخورداری از حمایت اجتماعی حاصل از جداسدن از جامعه اولیه، محرک‌هایی است برای بزهکاران. این مسئله به‌ویژه در دوران قدیم که جوامع، کوچک و بسته بودند و امنیت کمتری بر شهرها حاکم بود، قوت بیشتری داشت. امروزه نیز کثرت جمعیت، حاکمیت روح بیگانگی اجتماعی، بالابودن و روند صعودی نرخ هتل‌ها و مهمانسراها، کماکان غریبه‌ها، مسافران و توریست‌ها را در معرض بزه‌دیدگی قرار می‌دهد. از مطالعه وقفنامه‌ها استفاده می‌شود که واقفان با درک عمیق این مسئله و با نیتی خیرخواهانه، درصدد تأمین جایگاه امن و دارای رفاه نسبی برای هم‌نوعان خود بوده‌اند تا آنها را از خطرهای جانی و بزه‌دیدگی

نجات دهند. بدین منظور، رباطها و کاروانسراهای بسیاری برای استفاده و رفاه مسافران وقف کرده‌اند و متأسفانه امروزه مورد چنین استفاده‌هایی قرار نمی‌گیرد و اندیشه‌های واقفان، با وجود فراهم بودن اسباب وقف، به فراموشی سپرده شده است (معاونت فرهنگی سازمان اوقاف و امور خیریه، ۱۳۷۸، ص ۳۹).

۵. وقف و پیشگیری نوع سوم

پیشگیری نوع سوم شامل اقدامات و تدابیری است که مخاطب آنها کسانی‌اند که با وجود اقدامات پیشگیرانه نوع اول و دوم، به ورطه بزهکاری کشیده شده‌اند و یا بزه‌دیده واقع شده‌اند. این اقدامات که البته ماهیتی غیرکیفری دارد، شامل اصلاح و بازپروری، باز اجتماعی کردن و در مواردی درمان‌های پزشکی و روانپزشکی مجرمان، با هدف بازگرداندن آنها به آغوش جامعه است. درباره بزه‌دیدگان نیز اقداماتی مانند جبران خسارت بزه‌دیدگان و درمان آنها و نیز کمک به بازستاندن حقوق از دست‌رفته آنها در فرایند عمل مجرمانه را شامل می‌شود. مطالعه و قفنامه‌ها حکایت از این دارد که برخی از موقوفات شامل این گونه تدابیر بوده است و این امر حکایت از نگرش عمیق واقفان به نیازهای جامعه اسلامی داشته است. در اینجا به نمونه‌هایی از این تدابیر اشاره می‌شود:

۵-۱. کمک به بزه‌دیدگان در طرح شکایت خود

از جمله وضعیت‌هایی که افراد را در معرض بزه‌دیدگی مکرر قرار می‌دهد، عدم توان مالی آنها برای شکایت از ظلم و ستمی است که برای بار نخست نسبت به آنها شده است. این وضعیت، محرکی است برای بزهکاران که طعمه‌های خود را در این گونه طبقات محروم و فرودست بازیابند. امروزه دانش بزه‌دیده‌شناسی، افزون بر اقدامات پزشکی، بر ضرورت کمک‌های قضایی، خدمات مشاوره‌ای و روانپزشکی به بزه‌دیدگان تأکید می‌کند. پذیرش بزه‌دیده، آگاه‌ساختن او به حقوق خود در طرح دعوی کیفری، ارائه وکیل تسخیری و فراهم کردن امنیت وی در فرایند دادرسی، از جمله حقوق بزه‌دیدگان است که در قوانین و مقررات باید به رسمیت شناخته شود.

طرح دعوی کیفری هزینه‌هایی را برای بزه‌دیده به همراه دارد و عدم توانایی مالی می‌تواند از جمله دلایل انصراف ایشان از طرح دعوی کیفری به‌شمار آید. این وضعیت می‌تواند به گسترش ظلم و ستم بیشتر نسبت به آنها از سوی بزه‌کار اولی یا بزه‌کاران دیگری که از این وضعیت اطلاع می‌یابند منجر شود؛ به‌ویژه وقتی دستگاه قضایی تحت نفوذ طبقات ثروتمند و مرفه جامعه باشد و وکلای حرفه‌ای نیز بدون توجه به رسالت واقعی خویش، در خدمت طبقات ثروتمند باشند. چمبلیس و سیدمن دلایل گوناگونی بر این مدعا اقامه کرده‌اند:

ثروتمندان جایگاه بیشتری در دادگاه دارند؛ زیرا افزون بر اینکه قضات دادگاه‌ها [در جامعه مورد بررسی آنها] بیشتر از طبقات ثروتمند جامعه‌اند (زیرا آنها امکان کسب رتبه برتر برای حضور در دانشگاه را داشته‌اند)، وکلا نیز بیشتر به پرونده‌های ثروتمندان توجه می‌کنند، چون آنها قادرند تا حق الوکاله بیشتری پرداخت کنند (ولد و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۳۳۰).

فشارهای نامحسوس فراوانی وجود دارد که قضات را تشویق می‌کنند تا با احتیاط و به‌دقت به موضوع‌های مربوط به اشخاص قدرتمند رسیدگی کنند، ولی همچنین، فشارهای سازمانی‌ای وجود دارد که میزان کلی دادخواهی نزد دادگاه را محدود می‌کند تا از افزایش فهرست [پرونده‌ها] جلوگیری کند. این فشارها با این واقعیت همراه است که استیناف در دادگاه بالاتر، به‌طور عمده‌ای به توانایی متهم برای پرداخت هزینه دادخواهی بستگی دارد و این نتیجه را به‌دنبال دارد که بیشتر پرونده‌های حقوقی فقط به ثروتمندان و قدرتمندان مربوط است (همان، ص ۳۳۱).

این وضعیت مخصوص امروز نیست، بلکه در گذشته نیز وجود داشته است. مطالعه برخی وقفنامه‌ها از واقعیت تلخی حکایت می‌کند که با آموزه‌های اسلامی مبنی بر کمک مظلوم و دفع ظلم از او همخوانی ندارد. برخی واقفان با توجه به این‌گونه آموزه‌ها، اموال خویش را وقف کرده‌اند تا از درآمد حاصل از آن، فقرا و مستضعفانی که بزه‌دیده واقع شده‌اند، در طرح دعوا و پیگیری شکایت خود، کمک شوند.

۲-۵. نقش وقف در اصلاح و درمان مجرمان

نقش وقف در سیاست جنایی اسلام، فقط به آنچه گفته شد محدود نمی‌شود، بلکه وقف می‌تواند نقش مؤثری در اصلاح و درمان مجرمان داشته باشد. به بیان دیگر، وقف

می‌تواند هم پیش و هم پس از وقوع جرم و با ارائه خدمات و کمک‌های لازم برای اصلاح و درمان مجرمان، نقش مؤثری ایفا کند.

امروزه روان‌شناسی جنایی این واقعیت مهم را آشکار ساخته است که اختلالات روانی با جرم و رفتارهای نابهنجار رابطه دارد. تعداد قابل توجهی از جرایم، به‌ویژه جرایم خشونت‌آمیز به‌وسیله کسانی ارتکاب می‌یابد که دچار بیماری‌ها و اختلالات روانی‌اند. البته ابتلا به بیماری‌های روانی همچنان‌که می‌تواند در اثر اوضاع و احوال خانوادگی و محیطی باشد، می‌تواند ناشی از شرایط نامساعد زندان باشد. نگاهی گذرا به تحقیقات جرم‌شناسان و روان‌شناسان این واقعیت را اثبات می‌کند که صرف مجازات کردن، واکنش مؤثری در قبال این‌گونه مجرمان نیست و باید با به‌کارگیری تدابیر درمانی و اصلاحی مناسب، آنها را از تکرار جرم بازداشت. گرین «Green C.M» در پژوهش خود دریافت که ۷۴ درصد از نمونه ۷۸ نفری مردانی که به علت مادرکشی «Marticide» در بیمارستان روانی بستری بودند، دچار روان‌گسیختگی بودند. تیلور «Tyler» در بررسی ۱۲۱ مجرم روان‌گسیختگی، نتیجه گرفت که در ۲۰ درصد یقیناً و در ۲۶ درصد احتمالاً بیماری روانی علت ارتکاب جرم بوده است. برخی متخصصان بالینی معتقدند بیشترین جرایم خشونت‌آمیز را کسانی مرتکب می‌شوند که دچار اختلال روان‌گسیختگی از نوع پارانویایی‌اند و گاه این بیماری به شکل قتل‌های زنجیره‌ای و حتی خودناراقص‌سازی‌های سخت بروز می‌یابد (دادستان، ۱۳۸۲، ص ۱۴۰). تأسیس درمانگاه‌ها و کلینک‌های روانپزشکی و مراکز خدمات مشاوره‌ای می‌تواند نقش مهمی در پیشگیری از تکرار جرم داشته باشد. مهم این‌که از جمله موقوفات، تأسیس بیمارستان‌ها و تیمارستان‌ها برای معالجه و نگاهداری بیماران روانی بوده است؛ مثلاً سلطان عثمانی بیمارستانی را برای مداوای مریضان و تربیت مجانین ساخت. ملک منصور در وقفنامه خود برای بیمارستان در قاهره مقرر کرد که بیمارانی که دچار بی‌خوابی بودند، در تالاری جداگانه نگهداری شوند و برای آنان آهنگ‌های دل‌انگیز بنوازند و داستان‌سرایان با خواندن داستان‌های گوناگون، آنها را سرگرم کنند. بیمارانی که سلامت خود را بازمی‌یافتند، از بیماران دیگر جدا می‌شدند و برای آنان نمایش‌های خنده‌آور ترتیب می‌دادند! هنگام مرخصی به هر بیمار نیز پنج قطعه طلا می‌دادند تا در

حال نقاها، مجبور به کارکردن نباشد (جعفری، ۱۳۷۷، ص ۷ و معاونت فرهنگی سازمان اوقاف و امور خیریه، ۱۳۷۸، ص ۴۲-۴۳).

۳-۵. نقش وقف در کاهش جمعیت زندان و اثرات ناشی از زندان بر زندانی و خانواده‌اش

از موقوفات دیگر، وقف برای پرداخت دیون کسانی بوده است که به حکم قانون گرفتار می‌شدند و در زندان به سر می‌بردند. امروزه نیز بخش قابل توجهی از جمعیت کیفری زندان‌ها را زندانیانی تشکیل می‌دهند که قادر به پرداخت دیون خود نیستند؛ خواه کسانی که توانایی پرداخت قرض خود را ندارند یا کسانی که در حوادث غیرعمدی به پرداخت دیه محکوم می‌شوند و یا کسانی که به‌دلیل گوناگون، به پرداخت جریمه‌های نقدی سنگین محکوم شده‌اند و قادر به پرداخت آن نیستند. در روزگار گذشته نیز برخی محکومین، مدیونین بودند. امروزه کیفرشناسی و جرم‌شناسی این حقیقت را روشن ساخته است که زندان بدون برنامه اصلاحی و تربیتی، نه‌تنها نتایج سودمندی ندارد، بلکه عواقب و پیامدهای فسادآور فراوانی را برای خود زندانیان و خانواده‌های آنان به‌دنبال دارد. به همین دلیل، تأمین دیون این‌گونه زندانیان، گذشته از آنکه آنها را از مفاسد زندان نجات می‌دهد، خانواده‌های آنان را از مشکلات رهایی می‌بخشد؛ مشکلاتی که چه بسا آنها را نیز به ورطه انحراف و گناه و جرم بکشاند. در گذشته برخی از وقفنامه‌ها در این باره بوده است (رک به: معراجی، ۱۳۸۵، ص ۲۵۵).

نتیجه و پیشنهاد

وقف از جمله تأسیسات اسلامی برای افزایش مشارکت اجتماعی در گسترش نیکی‌ها در جامعه است که از صدر اسلام تاکنون همانند گوهری درخشان بر تارک جامعه اسلامی می‌درخشد. بهره‌برندگان از وقف نه‌تنها انسانها که حیوانات نیز بوده‌اند. وقفنامه‌هایی که برای جلوگیری از ظلم و ستم بر حیوانات و آزادی آنها، حمایت و نگهداری از پرندگان و حیوانات مریض و رسیدگی به آنها در اوقات خاص (مثل زمستان) وجود دارد، دلیلی بر این مدعاست (معراجی، ۱۳۸۵، ص ۲۵۹). آثار وقف در جامعه انسانی از ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی، امنیتی، آموزشی و تربیتی قابل

بررسی است. وقف از حیث پیشگیری از وقوع جرم و بزه‌دیدی و براساس مدل پزشکی، با گسترش خدمات آموزشی، تربیتی، اقتصادی و رفاهی در جامعه، به پُرکردن شکاف‌ها و فاصله‌های طبقاتی، توزیع عادلانه خدمات و امکانات اساسی مورد نیاز جامعه، رفع محرومیت، ارتقای سطح بینش، کمک به نشر و گسترش دینداری و اخلاق‌مداری و فراهم‌ساختن زیرساخت‌های امنیتی مورد نیاز کمک می‌کند و بسیاری از خاستگاه‌های اجتماعی جرم را نشانه می‌رود. علاوه بر این، وقف، به اقشار و گروه‌هایی که در معرض خطر بیشتری قرار دارند نیز توجه کرده است. در بُعد اقدامات پیشگیرانه نوع سوم نیز برای حمایت از بزه‌دیدگان، کمک به آنها در طرح شکایت علیه ظالمان، جبران خسارات آنها و همچنین اصلاح مجرمان، کاهش جمعیت زندان‌ها و... وقفنامه‌هایی وجود دارد. بررسی گذشته وقف در جامعه اسلامی، از کارایی و اثربخشی آن حکایت دارد که منطبق با ساختار شخصیتی انسان و اهداف اجتماعی و مطابق با روح و جوهره آموزه‌های دینی و بر پایه جهان‌بینی اسلامی است. به‌ویژه اینکه فارغ از مداخله‌های دولتی است و فقط با حمایت دولت، مشارکت اجتماعی را در پیشگیری از جرم رقم می‌زند؛ امری که متأسفانه امروزه کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

از آنجا که وقف متناسب با نیازهای جامعه اسلامی سامان می‌یابد، باید نیازهای جامعه اسلامی در بُعد پیشگیری از جرم و بزه‌دیدی بیشتر مورد واکاوی قرار گیرد و برای خیران بیان شود. تأسیس بخش «مشارکت اجتماعی در پیشگیری از جرم» و یافتن سازوکارها و راه‌های مناسب برای این مسئله، به‌ویژه با تأکید بر میراث غنی امت اسلامی که وقف از نمونه‌های بارز و آشکار آن است، ضرورت دارد.

همچنین، با توجه به اینکه امکان وقف از سوی گروهی از افراد وجود دارد و با توجه به مشکلات مالی و اقتصادی اعضای جامعه اسلامی، می‌توان برای رفع نیازهای اجتماعی و تمهیداتی که درباره پیشگیری از جرم و بزه‌دیدی می‌توان اندیشید، نسبت به وقف‌های جمعی با مشارکت گروهی از خیران اقدام کرد. حتی می‌توان با به‌کارگیری زندانیان در کارهای عام‌المنفعه و با استفاده از درآمد حاصل از کار آنها، موقوفاتی را به نام ایشان برای افراد دیگری که در معرض بزهکاری و بزه‌دیدی قرار می‌گیرند، اختصاص داد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن بطوطه؛ سفرنامه ابن بطوطه؛ مترجم محمدعلی موحد، ج ۱، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱.
۳. ابن منظور، محمدبن مکرم؛ لسان العرب؛ ج ۹، چ ۳، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۴. شنایدر، ریچارد و کیچن، تد؛ برنامه‌ریزی (شهری) برای پیشگیری از جرم؛ مترجم: فروزان سجودی، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۷.
۵. آمدی تمیمی، عبدالواحد؛ غررالحکم و دررالکلم؛ چ ۱، بیروت: مؤسسه اعلمی، ۱۴۰۷ق.
۶. ایازی، سیدمحمدعلی؛ «گستره مبانی وقف در قرآن کریم»؛ مقاله مندرج در: وقف و تمدن اسلامی؛ مجموعه مقالات ارائه شده در همایش بین‌المللی وقف و تمدن اسلامی، تهران: اسوه، ۱۳۸۷.
۷. پی ویلیامز، فرانکلین و ماری لین دی مک شین؛ نظریه‌های جرم‌شناسی؛ مترجم: حمیدرضا ملک‌محمدی، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۳.
۸. الجمل، احمد محمد عبدالعظیم؛ دور نظام الوقف‌الاسلامی فی التنمية-الاقتصادية- المعاصرة؛ مصر: دارالسلام، ۱۳۲۸ق.
۹. حرّ عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعه (۲۰ جلدی)؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
۱۰. حمیش، عبدالحق؛ «الوقف و اثره فی بناء الحضارة والاسلامیه»؛ مقاله مندرج در: وقف و تمدن اسلامی؛ مجموعه مقالات ارائه شده در همایش بین‌المللی وقف و تمدن اسلامی، تهران: اسوه، ۱۳۸۷.
۱۱. دادستان، پری‌رخ؛ روانشناسی جنایی؛ تهران: سمت، ۱۳۸۲.

۱۲. ری شهری، محمدمحمدی؛ الگوی مصرف از نگاه قرآن و حدیث؛ قم: دارالحدیث، ۱۳۸۸.
۱۳. سلیمی فر، مصطفی؛ نگاهی به وقف و آثار اقتصادی - اجتماعی آن؛ مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰.
۱۴. سیمبر، رضا؛ «وقف و امنیت اجتماعی، دولت و وقف به‌عنوان نهاد جامعه مدنی، تأثیرگذاری و تأثیرپذیری‌های متقابل در مقوله امنیت»؛ مقاله مندرج در: مجموعه مقالات وقف و تمدن اسلامی، ج ۳، چ ۱، تهران: اسوه، ۱۳۸۷.
۱۵. صدوق، ابوجعفر محمدبن علی بن حسین؛ من لایحضره الفقیه؛ ج ۲، چ ۲، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۰۴.ق.
۱۶. علی محمد جعفر؛ مکافحة الجریمة: مناهج الامم المتحدة والتشريع الجزایی؛ چ ۱، لبنان: المؤسسة الجامعية للدراسات والنشر والتوزيع، ۱۴۱۸.ق.
۱۷. علی آبادی، محمد؛ «بررسی مبانی نظری وقف و جایگاه آن در ایجاد تعادل و پایداری در سازمان فضایی شهر اسلامی»؛ مقاله مندرج در: مجموعه مقالات وقف و تمدن اسلامی، ج ۳، چ ۱، تهران: اسوه، ۱۳۸۷.
۱۸. علیزاده، مهدی؛ نقش اسلام در پیشگیری و کاهش بزهکاری؛ چ ۱، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۲.
۱۹. فضل‌الله؛ «خصوصیات اجتماعی و اقتصادی وقف اسلامی»؛ مقاله مندرج در: سایت دایرةالمعارف اعجاز علمی قرآن و حدیث (<http://www.55a.ret>).
۲۰. کوشکی، محمدصادق و اسماعیل آجرلو؛ «وقف نماد رشد انسانی در جامعه دینی»؛ مقاله مندرج در: مجموعه مقالات وقف و تمدن اسلامی، ج ۳، چ ۱، تهران: اسوه، ۱۳۸۷.
۲۱. کی‌نیا، سیدمهدی؛ مبانی جرم‌شناسی؛ چ ۳، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
۲۲. لپز، ژرار و ژینا فیلیزولا؛ بزه‌دیده‌شناسی؛ مترجم: روح‌الله کرد علیوند، چ ۱، تهران: نشر مجد، ۱۳۷۹.
۲۳. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الانوار؛ چ ۲، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳.ق.

۲۴. محمد نسل، غلامرضا؛ پلیس و سیاست پیشگیری از جرم؛ چ ۱، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، دبیرخانه همایش ملی پیشگیری از وقوع جرم، ۱۳۸۷.
۲۵. مشکینی، ابوالفضل و پریسا حجی ملایری؛ «تأثیر جهان‌بینی دینی در خلق فضاهاى شهری (نمونه موردی، شهر ملایر)»؛ مقاله مندرج در: مجموعه مقالات وقف و تمدن اسلامی، ج ۳، چ ۱، تهران: اسوه، ۱۳۸۷.
۲۶. مصباح یزدی، محمدتقی؛ اخلاق در قرآن؛ ج ۳، قم: مرکز انتشارات مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۴.
۲۷. معاونت فرهنگی سازمان اوقاف و امور خیریه؛ چشم‌انداز وقف؛ ویژه‌نامه وقف، تهران، ۱۳۷۸.
۲۸. معراجی، سعید؛ وقف سنت ماندگار؛ تهران: صائن، بنیاد پژوهش و توسعه فرهنگ وقف، ۱۳۸۵.
۲۹. نجفی، محمدحسن؛ جواهرالکلام؛ ج ۲۸، چ ۷، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۳ق.
۳۰. نوری طبرسی، میرزا حسین؛ مستدرک الوسائل؛ ج ۲، تهران: مکتبه‌الاسلامیه، ۱۳۸۳ق.
۳۱. ولد، جرج و توماس برنارد و جفری اسنیپس؛ جرم‌شناسی نظری؛ مترجم: علی شجاعی، تهران: سمت، ۱۳۸۰.